



رابطه رهبری اشتراکی با تعهد سازمانی

رحیم شیرازی*، دکتر حسن قلاوندی

گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

(تاریخ دریافت: 95/11/6، تاریخ پذیرش: 97/1/21)

چکیده

زمینه: سبک رهبری اشتراکی یکی از متغیرهای مهم سازمانی است که بر تعهد سازمانی کارکنان اثر می‌گذارد. این پژوهش با هدف تبیین رابطه بین رهبری اشتراکی و تعهد به‌عنوان یک اصل اخلاقی در میان اعضای هیئت علمی دانشگاه ارومیه انجام شده است.

روش: با استفاده از روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی، 183 نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه با توجه به دانشکده محل خدمت به‌صورت طبقه‌ای متناسب با حجم به‌طور تصادفی انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش از دو پرسشنامه استاندارد رهبری اشتراکی و تعهد سازمانی استفاده شد. داده‌های پژوهش پس از جمع‌آوری براساس فرضیه‌های پژوهش، با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که 1- بین رهبری اشتراکی با تعهد سازمانی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. 2- مؤلفه‌های رهبری اشتراکی (رهبری تحولی، رهبری تبادلی، رهبری توانمندسازی فردی و گروهی) می‌توانند به‌طور مثبت و معنی‌دار ابعاد تعهد سازمانی (تعهد عاطفی، تعهد مستمر و تعهد هنجاری) را پیش‌بینی کنند.

نتیجه‌گیری: به‌کارگیری سبک رهبری اشتراکی باعث افزایش تعهد سازمانی اعضای هیئت علمی می‌شود.

کلید واژگان: رهبری اشتراکی، تعهد سازمانی، اخلاق

سرآغاز

تعهد سازمانی¹ از جمله سازه‌های با اهمیت و مورد توجه در پژوهش‌های حوزه رفتار سازمانی است (1). امروزه مدیران، در صدد دستیابی به راه‌هایی برای افزایش تعهد سازمانی کارکنان هستند تا از این طریق بتوانند مزیت رقابتی سازمان خود را حفظ نمایند. تعهد سازمانی بیانگر میزان پایبندی فرد به سازمان و تلاش او برای تحقق اهداف سازمانی است (2). این تعهد نشان دهنده میزان سازگاری فرد با سازمان، درجه دلبستگی، احساسات و باورهای فرد نسبت به سازمان است و شامل مجموعه‌ای از مقاصد یا نیاتی است که تمایل کارکنان به پذیرش اهداف و ارزش‌های اصلی سازمان را افزایش می‌دهد (3). تعهد سازمانی یک حالت روانی است که بیانگر نوعی تمایل یا تعهد عاطفی، مستمر و الزام به هنجارها جهت اشتغال در سازمان است (4).

تعهد سازمانی در رابطه کارکنان با سازمان به اشکال زیر نمایان می‌شود:

§ تعهد عاطفی²: تعهد عاطفی تمایل به ماندن یک عضو در سازمان به واسطه پیوستگی عاطفی با سازمان است و حالت روان شناختی

است که باعث می‌شود یک کارمند رابطه نزدیکی با سازمان ایجاد کند (5). کارکنان متعهدی که با سازمان شناخته می‌شوند در امور سازمان مشارکت دارند و از عضویت در سازمان لذت می‌برند (6). تعهد مستمر³: در این شکل از تعهد، کارکنان هزینه‌های ترک سازمان را در نظر می‌گیرند (4). تعهد مستمر، یعنی این ادراک که قطع رابطه با یک سازمان هزینه‌های زیادی خواهد داشت (7). تعهد مستمر با فعالیت‌های رفتاری گذشته فرد در سازمان مرتبط است. فعالیت‌های رفتاری گذشته سبب می‌شود که کارکنان به سازمان متعهد شوند. زمانی که کارکنان احساس کنند از سازمان مزایایی چون؛ حقوق بالا، حرمت و ارتقا را کسب می‌کنند تعهد مستمر ایجاد می‌شود. اگر آنها بی‌بهرند که در صورت ماندگاری در سازمان از این مزایا برخوردارند و در صورت ترک سازمان آنها را از دست می‌دهند، تعهد مستمرشان به سازمان افزایش می‌یابد (6).

§ تعهد هنجاری⁴: نوعی الزام یا احساس مسئولیت اخلاقی است که باعث ماندگاری اعضا در سازمان می‌شود (8). تمایل برای ماندن در سازمان به‌واسطه احساس یا الزام اخلاقی نوعی تعهد است (6). تعهد هنجاری، نوعی تمایل ذهنی است که در آن فرد از نظر اخلاقی ملزم می‌شود تا مجموعه‌ای از فعالیت‌های مربوط به اهداف

* نویسنده مسؤول؛ نشانی الکترونیکی: Ghalavandi @ gmail.com

مورد نظر را پیگیری کند (7). این تعهد زمانی شکل می‌گیرد که کارکنان احساس کنند ماندن در سازمان یک امر اخلاقی است (6). زمانی که کارکنان معتقد باشند سازمان از آنها انتظار دارد که وفادار باشند، تعهد هنجاری بالایی خواهند داشت (8). سازمان‌ها به روش‌های زیر به ارتقای تعهد هنجاری کارکنان کمک می‌کنند: 1- ایجاد احساس مدیون بودن به سازمان در کارکنان. 2- ایجاد این نگرش در کارکنان که سازمان خیرخواه کارکنان است.

عواملی زیادی بر تعهد سازمانی اثر دارند و به نظر می‌رسد که پایین بودن تعهد سازمانی ناشی از اجرای سبک‌های رهبری سنتی در دانشگاه‌ها باشد. رهبر مهم‌ترین عامل در یک سازمان است که می‌تواند با رفتارهای خود مشوق عملکرد بالای کارکنان یا کاهش آن و در نهایت موفقیت یا شکست سازمان شود. از آنجایی که سبک‌های رهبری متعدد می‌باشد، در این پژوهش یکی از سبک‌های رهبری سازمان‌ها با عنوان «رهبری اشتراکی»⁵ که در مطالعات رهبری دارای اهمیت بوده مورد توجه قرار گرفته است (9). در عصر حاضر با مسطح شدن ساختار سازمان‌ها و تغییر روش‌های مدیریتی، فرصتی برای اجرای مدل رهبری اشتراکی مهیا شده است (10). رهبری اشتراکی به توزیع قدرت و تسهیم نقش‌های رهبر در میان اعضای گروه‌های مختلف سازمان اشاره دارد به‌طور معنی‌داری عملکرد سازمانی را افزایش می‌دهد. این سبک از رهبری نشان دهنده نوعی از ارتباط است که از طریق تعاملات اعضای گروه به‌وجود می‌آید (9). در این مدل از رهبری، قدرت رهبری در میان اعضای گروه توزیع می‌شود (11). به تعبیر دیگر، هنگامی که اعضای یک تیم به‌طور کامل در رهبری فعالیت‌های تیمی مشارکت دارند، این سبک در سازمان جاری است (12). رهبری اشتراکی یک منبع نامحسوس مهم برای استفاده از ظرفیت تیم‌ها در سازمان است که عملکرد تیم‌های سازمانی را در انجام وظایف پیچیده افزایش می‌دهد (13). وقتی که رهبری مشارکتی باشد اعضای گروه به اهداف و رسالت گروه پایبندی بیشتری دارند، میزان زیادی از تعهد را تجربه می‌کنند، منابع فردی و سازمانی بیشتری را برای انجام وظایف پیچیده فراهم می‌کنند و اطلاعات بیشتری به اشتراک می‌گذارند (14). اگر رهبری به اشتراک گذاشته شود، افراد با احترام و اعتماد بیشتری فعالیت می‌کنند و در نهایت، این امر منجر به ایجاد منابع دیگری برای افزایش خروجی فرایندهای کاری و عملکرد سازمانی می‌شود (13). مؤلفه‌های رهبری اشتراکی عبارتند از: رهبری تحولی⁶، رهبری تبدیلی⁷، رهبری دستوری، رهبری توانمندسازی فردی⁸ و رهبری توانمندسازی گروهی⁹ (11).

رهبری تحولی: سبکی از رهبری است که زیردستان را تشویق و ترغیب می‌کند تا به فراتر از منافع فردی در سازمان در جهت تحقق اهداف سازمانی عمل کنند (7).

رهبری تبدیلی: در این سبک رهبر الزامات کاری زیردستان برای دستیابی به اهداف خود و اهداف سازمان را تعیین می‌کند، به

زیردستان اطمینان می‌دهد که می‌توانند با صرف تلاش لازم به اهداف شان نایل شوند و برحسب دستاوردهای زیردستان، به آنها پاداش می‌دهد (15).

رهبری دستوری: در این سبک رفتار رهبری از قدرت مقام و موقعیت او اثر می‌پذیرد. رهبری دستوری برپایه هنجارهای صدور دستور و اهداف سازمان استوار است (11).

رهبری توانمند سازی فردی: نوعی از رفتار رهبری است که به رشد و توسعه خود رهبری یا خود مدیریتی فرد در گروه تأکید می‌کند (11).

رهبری توانمند سازی گروهی: نوعی از رفتار رهبری است که به رشد و توسعه خود رهبری یا خود مدیریتی گروه تأکید می‌کند. به این نوع رهبری «ابر رهبری» یا رهبری دیگران برای یادگیری «خود رهبری» نیز می‌گویند (11).

پژوهشگران در مطالعات خود نشان دادند که بین رهبری اشتراکی و اثربخشی تیمی رابطه مثبتی وجود دارد (10). در بررسی رابطه بین رهبری اشتراکی و مدیریت تغییر اثربخش مشخص شد که، رهبری اشتراکی پیش‌بینی کننده قوی برای مدیریت اثربخش تغییر است و رابطه مثبتی بین رهبری اشتراکی و عملکرد تیمی وجود دارد (12).

در پژوهشی که با عنوان «بررسی اثر رهبری اشتراکی بر پیامدهای شغلی اعضای تیم مدیریت» انجام شد، مشخص شد که رهبری اشتراکی با رضایت شغلی رابطه مثبت دارد، اما رابطه آن با حجم کاری و تضاد در نقش منفی است (16).

رهبری اشتراکی، تعهد و بهره‌وری در گروه‌های کاری، را تقویت می‌کند (18 و 17، 12، 11).

از اوایل دهه 1950 مقوله تعهد سازمانی در مباحث رفتار سازمانی مطرح شد و از جمله موضوعاتی است که پژوهشگران به آن توجه ویژه‌ای داشته‌اند. مطالعات علمی نیز نشان داده که، تعهد سازمانی می‌تواند باعث اثربخشی سازمان، افزایش عملکرد و کاهش ترک شغل و غیبت کارکنان شود (3). کارکنانی که تعهد سازمانی بالایی دارند، نظم کاری بیشتری دارند، مدت زمان بیشتری در سازمان می‌مانند و فعالیت سازمانی بیشتری دارند (3). تعهد سازمانی بر نگرش‌های شغلی¹⁰، رضایت شغلی¹¹، تمایل به ترک سازمان و حضور نمادین¹² کارکنان اثر می‌گذارد (19 و 20). سازمان‌هایی که کارکنان متعهد دارند از هزینه‌های مربوط به جابه‌جایی، ترک شغل و حضور نمادین کارکنان جلوگیری می‌کنند، انگیزه¹³ کارکنان را بالا می‌برند و در نتیجه عملکرد شغلی بالایی دارند. همچنین، کارکنانی که تعهد عاطفی بالایی دارند در تحقق اهداف سازمان تلاش بیشتری می‌کنند (8). تعهد عاطفی با شرایط رضایت‌بخش، انتظارات، خود ابرازی و قضاوت فردی رابطه دارد (21). در فراتحلیلی که در زمینه عوامل، روابط و پیامدهای تعهد سازمانی انجام گرفت، مشخص شد که تعهد سازمانی با رفتارهای کناره‌گیری، فرسودگی شغلی، حضور نمادین، استرس و تعارض



جدول 1: ضرایب همبستگی بین تعهد سازمانی با مؤلفه‌های رهبری اشتراکی

تعهد سازمانی		
0/74**	همبستگی پیرسون	رهبری اشتراکی
0/000	سطح معنی داری	
0/67**	همبستگی پیرسون	رهبری تحولی
0/000	سطح معنی داری	
0/58**	همبستگی پیرسون	رهبری تبدالی
0/300	سطح معنی داری	
0/53**	همبستگی پیرسون	رهبری دستوری
0/000	سطح معنی داری	
0/62**	همبستگی پیرسون	رهبری توانمند سازی فردی
0/000	سطح معنی داری	
0/60**	همبستگی پیرسون	رهبری توانمند سازی گروهی
0/400	سطح معنی داری	

نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم تعداد 185 نفر بر اساس جدول جسی - مورگان به‌عنوان نمونه انتخاب شدند.

ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش: تعهد سازمانی به‌وسیله فرم کوتاه پرسشنامه تعهد سازمانی اندازه‌گیری شد (5). این پرسشنامه 12 گویه دارد که به ترتیب مؤلفه‌های تعهد عاطفی 4 گویه، تعهد مستمر 4 گویه و تعهد هنجاری 4 گویه دارد و با استفاده از لیکرت 5 گزینه‌ای تعهد سازمانی را اندازه‌گیری می‌کند. پایایی این پرسشنامه $\alpha=0/69$ محاسبه شد. نتایج تحلیل عاملی پرسشنامه تعهد سازمانی (تعهد عاطفی، تعهد مستمر، تعهد هنجاری) محاسبه و واریانس سئوالات 0/067 استخراج شد. آزمون $KMO = 781\%$ و بارتلت ($P < 0/000$) نشان داد که حجم نمونه کافی است و این عوامل در جامعه آماری وجود دارد. نتایج بارهای عاملی بالاتر از 0/03 با چرخش متعامد، سه مؤلفه مورد نظر را به دست می‌آورد. پژوهش‌های پیشین نشان داد که مؤلفه‌های این مدل روایی و پایایی معتبری دارد (23). نظر اساتید گروه علوم تربیتی و پژوهش‌های پیشین روایی ابزار را تأیید نموده است.

رهبری اشتراکی به‌وسیله پرسشنامه استاندارد اندازه‌گیری شد (24). این پرسشنامه 21 گویه دارد که به ترتیب مؤلفه‌های رهبری تحولی 5 گویه، رهبری تبدالی 4 گویه، رهبری دستوری 4 گویه، رهبری توانمندسازی فردی 4 گویه و رهبری توانمندسازی گروهی 4 گویه دارد. از لیکرت 5 گزینه‌ای استفاده شده است.

پایایی این پرسشنامه $\alpha = 0/961$ به‌دست آمد. در این پژوهش آلفای کرونباخ پرسشنامه‌های رهبری تحولی، رهبری تبدالی، رهبری دستوری، رهبری توانمندسازی فردی و رهبری توانمندسازی گروهی به ترتیب 0/82، 0/93، 0/84، 0/89، 0/92 و 0/93 محاسبه شده است. نتایج تحلیل عاملی پرسشنامه رهبری اشتراکی (رهبری تحولی، رهبری تبدالی، رهبری دستوری، رهبری

کار - خانواده رابطه منفی دارد، اما با عملکرد شغلی و رفتار شهروندی سازمانی¹⁴ رابطه مثبت دارد (22).

به‌طورکلی، حجم وسیع فساد اداری گزارش شده، میزان غیبت و ترک خدمت کارکنان و عدم رعایت مقررات سازمانی با میزان تعهد سازمانی اعضا مرتبط می‌باشد (4). مطالعات نیز نشان داده است که عملکرد و تعهد شغلی یا سازمانی نیروی کار سازمان‌های دولتی ایران پایین است و کارکنان وظایف شغلی خود را به درستی انجام نمی‌دهند، انگیزه و روابط کاری پایین دارند، رضایت شغلی چندانی ندارد و همواره به فکر ترک سازمان و تغییر شغل خود هستند. این موارد دلالت بر پایین بودن میزان تعهد شغلی در سازمان‌های دولتی ایران دارد. دانشگاه‌ها نیز جزو سازمان‌های دولتی بوده و از این قاعده مستثنی نیستند. از این‌رو پژوهش حاضر به بررسی روابط رهبری اشتراکی و تعهد سازمانی اعضای هیئت علمی دانشگاه ارومیه پرداخته است و هدف پژوهش، تبیین رابطه ابعاد تعهد سازمانی و مؤلفه‌های رهبری اشتراکی است. براساس مبانی نظری و پژوهشی مرور شده، فرضیه اصلی پژوهش بدین صورت بیان می‌شود: «رهبری اشتراکی، تعهد سازمانی را پیش بینی می‌کند.»

روش

از آنجایی که در این پژوهش سعی شده است که به بررسی و توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص توجه و کمک شود، می‌توان آن را از لحاظ هدف جزو پژوهش‌های کاربردی محسوب نمود. از نظر ملاک روش‌های پژوهشی جمع‌آوری داده‌ها می‌توان آن را در گروه پژوهش‌های توصیفی-پیمایشی با طرح تحقیق همبستگی جای داد. جامعه آماری مورد نظر شامل 460 نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه ارومیه می‌باشد. با استفاده از روش

جدول 2: نتایج تحلیل رگرسیون چند رابطه بین هریک از مؤلفه‌های رهبری اشتراکی و تعهد عاطفی

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین اصلاح شده	دوربین واتسون	F	سطح معناداری
	R	R ²	R ²	T		
مدل	ضرایب	ضرایب استاندارد	β	سطح معناداری		مفروضات هم خطی
غیراستاندارد	B	میانگین خطای استاندارد		تولرنس		تورم واریانس
تحولی	0/26	0/08	0/40	3/20	.200	0/33
تبادلی	0/20	0/04	0/20	2/50	0/014	0/32
دستوری	0/12	0/09	0/17	1/36	0/173	0/30
توانمند سازی فردی	0/2	0/04	0/19	2/56	0/011	0/36
توانمند سازی گروهی	0/09	0/04	0/16	2/20	0/030	0/33

توانمندسازی فردی و رهبری توانمندسازی گروهی) را مشخص نموده است و 70% از واریانس سوالات استخراج شده است. آزمون KMO = 924% و بارتلت ($P < 0/000$) نشان داد که حجم نمونه کافی است و این عوامل در جامعه آماری وجود دارد. نتایج بارهای عاملی بالاتر از 0/03 یا چرخش متعامد، پنج مؤلفه مورد نظر را به محاسبه نمود. نظر اساتید گروه علوم تربیتی و پژوهش‌های پیشین روایی ابزار را تأیید نموده است. از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

یافته‌ها

با توجه به این که داده‌های در سطح مقیاس فاصله‌ای بودند و متغیرهای تحقیق از نظر آزمون شاپیرو ویلک نرمال بودند لذا از آزمون ماتریس همبستگی جهت آزمون فرضیه اول استفاده شد. فرضیه اول: بین رهبری اشتراکی و تعهد سازمانی رابطه وجود دارد. با توجه به جدول (1) رهبری اشتراکی ($r=0/72$)، رهبری تحولی ($r=0/67$)، رهبری تبادلی ($r=0/58$)، رهبری دستوری ($r=0/53$)، رهبری توانمند ساز فردی ($r=0/62$) و رابطه رهبری توانمندساز گروهی ($r=0/60$) با تعهد سازمانی رابطه مثبت و معنی داری است. فرضیه دوم: مؤلفه‌های رهبری اشتراکی بعد تعهد عاطفی را پیش‌بینی می‌کنند.

براساس جدول (2)، مقدار آماره آزمون برای بررسی رابطه بین هریک از مؤلفه‌های رهبری اشتراکی و تعهد عاطفی برابر با 4/69 که در سطح ($P=0/000$) معنی دار است. مقدار R^2 نشان می‌دهد که 0/46 از واریانس تعهد عاطفی تبیین می‌شود. همچنین ضرایب رگرسیون بیانگر آن است که مؤلفه‌های رهبری تحولی ($\beta=0/26$)، رهبری تبادلی ($\beta=0/20$)، رهبری توانمند سازی فردی ($\beta=0/20$)، رهبری توانمند سازی گروهی ($\beta=0/09$) می‌توانند به طور مثبت و معنی‌دار تعهد عاطفی را پیش‌بینی کنند. نتایج آزمون واتسون - دوربین، آماره تولرنس و عامل تورم واریانسی نشان دهنده برقرار بودن مفروضاتی است که مدل‌های رگرسیون خطی چند گانه براساس آنها بنا شده‌اند. فرضیه سوم: مؤلفه‌های رهبری اشتراکی بعد تعهد مستمر را پیش‌بینی می‌کنند.



جدول 3: نتایج تحلیل رگرسیون چند رابطه بین هریک از مؤلفه‌های رهبری اشتراکی و تعهد مستمر

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین اصلاح شده	دوربین واتسون	F	سطح معناداری
	R	R^2	R^2	1/87	11/27	0/000
مدل	ضرایب غیراستاندارد	میانگین خطای استاندارد	β	T	سطح معناداری	مفروضات هم خطی تولرنس
تحویلی	0/19	0/09	-0/24	-2/6	.140	0/31
تبادلی	0/39	0/10	0/43	3/8	0/000	0/33
دستوری	0/17	0/11	0/18	1/51	0/132	0/30
توانمند سازی فردی	0/16	0/08	0/14	1/34	0/182	0/36
توانمند سازی گروهی	-0/03	0/08	-0/04	-0/36	0/715	0/33

پیش‌بینی کند. نتایج آزمون واتسون - دوربین، آماره تولرنس و عامل تورم واریانس نشان‌دهنده برقرار بودن مفروضاتی است که مدل‌های رگرسیون خطی چند گانه براساس آنها بنا شده‌اند. فرضیه چهارم: مؤلفه‌های رهبری اشتراکی می‌توانند بعد تعهدهنجاری را پیش‌بینی کنند.

براساس جدول (3)، مقدار آماره آزمون برای بررسی رابطه بین هریک از مؤلفه‌های رهبری اشتراکی و تعهد مستمر برابر با 11/27 که در سطح (P=0/000) معنی دار است. مقدار R^2 نشان می‌دهد که 0/24 از واریانس تعهد مستمر تبیین می‌شود. همچنین ضرایب رگرسیون بیانگر آن است که مؤلفه رهبری تبادلی ($\beta=0/43$) می‌تواند به‌طور مثبت و معنی‌دار تعهد مستمر را

جدول 4: نتایج تحلیل رگرسیون چند رابطه بین هریک از مؤلفه‌های رهبری اشتراکی و تعهد هنجاری

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین اصلاح شده	دوربین واتسون	F	سطح معناداری
	R	R^2	R^2	2/05	3/28	0/700
مدل	ضرایب غیراستاندارد	میانگین خطای استاندارد	β	T	سطح معناداری	مفروضات هم خطی تولرنس تورم واریانس
تحویلی	-0/12	0/08	-0/17	-1/40	0/164	0/33
تبادلی	0/03	0/08	0/40	0/32	0/747	0/31
دستوری	-0/17	0/09	-0/24	-1/82	0/070	0/30
توانمندسازی فردی	0/23	0/07	0/37	3/20	0/002	0/36
توانمندسازی گروهی	-0/06	0/07	-0/11	-0/90	0/367	0/33

براساس جدول (4)، مقدار آماره آزمون برای بررسی رابطه بین هریک از مؤلفه‌های رهبری اشتراکی و تعهد مستمر برابر با $3/28$ که در سطح $(P=0/000)$ معنی‌دار است. مقدار R^2 نشان می‌دهد که $0/08$ از واریانس تعهد مستمر تبیین می‌شود. هم چنین نگاهی به ضرایب رگرسیون بیانگر آن است که مؤلفه رهبری توانمندسازی فردی $(\beta=0/23)$ می‌تواند به‌طور مثبت و معنی‌دار تعهد مستمر را پیش‌بینی کند. نتایج آزمون واتسون - دوربین، آماره تولرانس و عامل تورم واریانس نشان‌دهنده برقرار بودن مفروضاتی است که مدل‌های رگرسیون خطی چند گانه بر اساس آنها بنا شده‌اند.

$$Y = 73 + 0.31X \text{ (رهبری اشتراکی)} = \text{تعهد سازمانی}$$

با توجه به معادله بالا اگر یک واحد استاندارد به رهبری اشتراکی به اندازه 31 واحد انحراف استاندارد به تعهد سازمانی اعضای هیات علمی دانشگاه ارومیه افزوده می‌شود.

بحث

هدف اصلی این پژوهش تبیین رابطه تعهد سازمانی اعضای هیئت علمی دانشگاه با سبک رهبری اشتراکی بود. تجزیه و تحلیل داده‌های فرضیه اصلی تحقیق نشان داد که رابطه رهبری اشتراکی و تعهد سازمانی اعضای هیئت علمی رابطه مثبت و معنی‌دار است. این نتایج بیانگر آن است که وجود ابعاد رهبری اشتراکی در دانشگاه باعث شکل‌گیری و افزایش تعهد سازمانی در میان اعضای هیئت علمی می‌شود. این یافته‌ها با نتایج پژوهش (11) همسو است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت: در صورت عدم توجه به سبک‌های مشارکتی و استفاده از توان و ظرفیت‌های خاص اعضای هیئت علمی به تدریج «حس بیگانگی با محیط زندگی سازمانی» در اعضای هیئت علمی ایجاد شده و بر تعهد عاطفی آنها اثر منفی به‌جای می‌گذارد. نتیجه ایجاد این حس در دراز مدت می‌تواند کم‌کاری و کاهش انگیزه شغلی، رکود علمی و عدم پایبندی به اهداف و رسالت مؤسسه باشد.

نتایج پژوهش نشان داده که رابطه بین مؤلفه‌های رهبری اشتراکی با ابعاد تعهد سازمانی مثبت و معنی‌داری است. هم چنین مشخص شد که مؤلفه‌های رهبری تحولی، رهبری تبدالی، رهبری توانمندسازی فردی می‌تواند به‌طور مثبت و معنی‌دار ابعاد تعهد سازمانی را پیش‌بینی کند که با یافته‌ها و نتایج پژوهش‌های قبلی همسو است (18، 25 و 26).

در همین زمینه پژوهش صورت گرفته نشان داد که رهبری توانمندساز بر تعهد سازمانی اثر مثبت و معنی‌داری دارد. سبک رهبری توانمند ساز با ایجاد رفتارهایی نظیر: تصمیم‌گیری مشارکتی، مربی‌گری، دادن اطلاعات به افراد و توجه به نیازها و مسایل زیردستان باعث افزایش تعهدسازمانی می‌شود (27).

همسو با یافته‌های پژوهش حاضر، نتایج پژوهشی که در این زمینه انجام شده است نیز نشان داده که اثر سبک‌های رهبری تحولی و تبدالی بر تعهد سازمانی کارکنان مثبت و معنی‌دار است (28).

در توضیح و تأیید یافته‌های پژوهش‌های پیشین در این زمینه می‌توان گفت: رهبری به‌طور کلی بر نگرش‌ها و رفتار کارکنان در سطح فردی و سازمانی اثرگذار است و توانمندسازی و درگیری شغلی دو سازوکار کلیدی هستند که رهبری توانمندساز از آنها به‌منظور اثرگذاری بر زیردستان بهره می‌گیرد تا پایبندی اعضا به سازمان را بهبود بخشد (29-31). این رویکرد از طریق یافته‌های پژوهشی نیز حمایت می‌شود. پس می‌توان گفت که رهبران توانمندساز بر درگیری شغلی¹⁵ کارکنان و تعهد عاطفی اثر مثبت به‌جای می‌گذارند و تمایل به ترک سازمان را کاهش می‌دهند (13 و 28).

در تبیین یافته‌های پژوهش درخصوص ارتباط سبک رهبری تبدالی با تعهد سازمانی و همسو با یافته‌های پژوهش به عمل آمده باید توجه داشت که اگر اعضا درازای خدمات خود از پاداش‌های متناسب بهره‌مند شوند، به‌طور فعالانه تلاش می‌کنند تا اهداف سازمان را تحقق بخشند و پایبندیشان به سازمان بیشتر می‌شود (7). یعنی پاداش آنها را ملزم می‌سازد تا به سازمان احساس تعهد نمایند و در جهت تحقق اهداف سازمانی تلاش نمایند. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که ارضای نیازهای کارکنان به‌روش‌های ملموس و نامشهود بر ابعاد هنجاری، الزامی و عاطفی تعهد سازمانی کارکنان اثر مثبت دارد. پژوهشگران نیز پاداش‌های نامشهود را بهترین وسیله برای ارضای نیازهای روانی کارکنان برشمرده است (26).

در تأیید یافته‌های پژوهش براساس تحلیل داده‌های مرتبط با فرضیه پیش‌بینی تعهد سازمانی از طریق رهبری تحولی، مشخص شده که رهبری تحولی منجر به افزایش تعهد و عملکرد سازمانی می‌شود (11). در همین زمینه پژوهش صورت گرفته در میان «اعضای هیئت علمی دانشگاه کلمبیا» نشان داد که رابطه بین رهبری تحولی و تبدالی با تعهد سازمانی اعضای هیئت علمی مثبت و معنی‌دار است و رهبری تبدالی پیش‌بینی‌کننده قوی برای تعهد سازمانی است (32).

نتیجه‌گیری

استفاده از سبک رهبری اشتراکی در سازمان‌ها، به‌ویژه مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌ها به افزایش تعهد سازمانی اعضا کمک می‌کند و ضرورت دارد تا رهبران دانشگاه‌ها با بهره‌گیری از ظرفیت‌های گروه‌های آموزشی و دانشکده‌ها زمینه را برای افزایش تعهد سازمانی و کارآمدی اعضا فراهم سازند و اثربخشی دانشگاه‌ها را ارتقا دهند. براساس نتایج حاصل از این پژوهش پیشنهاد می‌شود که مدیران دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی با سبک‌های رهبری تحولی، رهبری تبدالی، رهبری توانمندسازی فردی و رهبری توانمندسازی گروهی آشنا شوند و از طریق آموزش این سبک‌ها که مؤلفه‌های سبک رهبری اشتراکی هستند، تعهد سازمانی اعضای هیئت علمی را افزایش دهند.



4. Meyer JP, Herscovitch L. (2001). Commitment in the workplace: Toward a general model. *Human Resource Management Review*; 11: 299-326.
5. Yahaya R, Ebrahim F. (2016). Leadership styles and organizational commitment: literature review. *Journal of Management Development*; 35(2): 190-216.
6. Lee DS, Lee KC, Seo YW. (2015). An analysis of shared leadership, diversity, and team creativity in an e-learning environment. *Computers in Human Behavior*; 42: 47-56.
7. Carson J, Tesluk P, Marrone J. (2007). Shared leadership in teams: an investigation of antecedent conditions and performance. *Academy of Management Journal*; 50(5): 1217-1234.
8. Pearce CL, Sims HP. (2002). Vertical versus shared leadership as predictors of the effectiveness of change management teams: An examination of aversive, directive, transactional, transformational, and empowering leader behaviors. *Group Dynamics: Theory, Research, and Practice*; 6(2): 172.
9. Pearce CL. (2004). The future of leadership: Combining vertical and shared leadership to transform knowledge work. *Academy of Management Executive*; 18(1): 47-55.
10. Day D, Gronn P, Salas E. (2004). Leadership capacity in teams. *Leadership Quarterly*; 15: 857-880.
11. Kawata WT. (2012). Measuring shared leadership in skilled nursing facilities. Available at: <https://repository.upenn.edu/dissertations/AAI3530088/>. Accessed: 21 Jun 2016.
12. Meyer JP, Parfyonova NM. (2010). Normative commitment in the workplace: A theoretical analysis and re-conceptualization. *Human Resource Management Review*; 20: 283-294.
13. Ishikawa J. (2012). Transformational leadership and gatekeeping leadership: The roles of norm for maintaining consensus and shared leadership in team performance. *Asia Pacific Journal of Management*; 29(2): 265-283.
14. Ghaana Niya M, Arshadi N, Soltanian N. (2016). The effect of training on enhancing employee performance petrochemical origin. *Training and Human Resource Development Quarterly*; (6): 141-125 (In Persian).
15. Pearce CL, Conger JA, Locke EA. (2008). Shared leadership theory. *The Leadership Quarterly*; 19: 622-628.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاقی امانت‌داری علمی رعایت و حق معنوی مؤلفین آثار محترم شمرده شده است و سایر اصول اخلاق علمی همچون رازداری و رضایت آگاهانه، رعایت شده است.

سپاسگزاری

گروه پژوهش بر خود لازم می‌دانند که از کلیه مسئولان و اعضای محترم هیئت علمی دانشگاه ارومیه که صمیمانه گروه پژوهش را در انجام این پژوهش یاری نمودند، نهایت سپاس و قدردانی را به عمل آورند.

واژه‌نامه

1. Organizational commitment	تعهد سازمانی
2. Affective commitment	تعهد عاطفی
3. Continuance commitment	تعهد مستمر
4. Normative commitment	تعهد هنجاری
5. Shared leadership	رهبری اشتراکی
6. Transformational leadership	رهبری تحولی
7. Transactional leadership	رهبری تبادل‌ی
8. Individual empowering	توانمندسازی فردی
9. Team empowering	توانمندسازی گروهی
10. Job attitudes	نگرش‌های شغلی
11. Job satisfaction	رضایت شغلی
12. Presenteeism	حضور نمادین
13. Motivation	انگیزه
14. Organizational- citizenship behaviour	رفتار شهروندی - سازمانی
15. Job engagement	درگیری شغلی

References

1. Sarmadi MR. (2014). Causal model Karaslami ethics and organizational commitment by the mediating role of organizational justice and job values. -Research New Approaches in Educational Administration Quarterly; (3): 61-74 (In Persian).
2. Meyer JP, Allen NJ. (1997). Commitment in the workplace. London: Sage Publications.
3. Meyer JP, Allen NJ. (1991). A three-component conceptualization of organizational commitment. *Human Resource Management Review*; (1): 61-89.



24. Fausing MS, Joensson TS, Lewandowski J, Bligh M. (2015). Antecedents of shared leadership: empowering leadership and interdependence. *Leadership & Organization Development Journal*; 36(3): 271-291.
25. Clinebell S, Skudiene V, Trijonyte R, Reardon J. (2013). Impact of leadership styles on employee organizational commitment. *Journal of Service Science*; 6(1): 139.
26. Bixby KM. (2016). The mediation of empowering leadership on psychological empowerment with organizational commitment and job satisfaction [Ph.D. thesis]. Anderson: University of Anderson.
27. Abdollahi B, Karimiyan H, Namdar MP. (2015). link commitment to ethics and spirituality in the workplace. *Journal of Ethics in Science and Technology*; 10(4): 1-10 (In Persian)
28. Sadeghi MB, Mahmoudi Kia M, Arshadi N. (2016). Analysis of the relationship between personality variables and reliable organizational leadership. *Journal of Ethics in Science and Technology*; Issue 1 (In Persian).
29. Afshari L, Gibson P. (2016). How to increase organizational commitment through transactional leadership. *Leadership and Organization Development Journal*; 37(4): 507-519.
16. Yousef DA. (2000). Organizational commitment: A mediator of the relationships of leadership behavior with job satisfaction and performance in a non-western country. *Journal of Managerial Psychology*; 15(1): 6-28.
17. Meyer JP, Stanley DJ, Herscovitch L, Topolnytsky L. (2002). Affective, continuance, and normative commitment to the organization: A meta-analysis of antecedents, correlates, and consequences. *Journal of Vocational Behavior*; 61: 20-52.
18. Powell DM, Meyer JP. (2004). Side-bet theory and the three-component model of organizational commitment. *Journal of Vocational Behavior*; 65: 157-177.
19. Colquitt JA, LePine JA, Wesson MJ. (2010). *Organizational behavior: Essentials for improving performance and commitment*. New York: Sage Publication.
20. Judge WQ, Ryman JA. (2001). The shared leadership challenge in strategic alliances: Lessons from the U. S. healthcare industry. *Academy of Management Executive*; 1 (2): 71-79.
21. Shane Wood M, Fields D. (2007). Exploring the impact of shared leadership on management team member job outcomes. *Baltic Journal of Management*; 2(3): 251-272.
22. Jackson TA, Meyer JP, Wang XHF. (2013). Leadership, commitment, and culture: a meta-analysis. *Journal of Leadership & Organizational Studies*; 20(1): 84-106.
23. Bastian JV. (2016). Organizational commitment and leadership styles of military wives: A multiple regression study [Ph.D. thesis] Capella: University of Capella.